

بسم الله الرحمن الرحيم

نوروز در آموزه‌های دینی: تأملی بر پیوند فرهنگ، معنویت و تمدن

با درود و احترام به محضر فرهیختگان، اندیشمندان و میهمانان گرانقدر، مایه مباهات است که در محفلی چنین ارزشمند، فرصتی دست داد تا درباره یکی از اصیل‌ترین و کهن‌ترین میراث‌های فرهنگی و تمدنی جهان، یعنی آیین نوروز، با شما به گفت‌وگو بنشینیم. بی‌تردید، سخن گفتن در حضور اساتید و صاحب‌نظران این حوزه، کاری بس دشوار و در عین حال پرمسئولیت است، اما امید دارم که بتوانم در این مجال، سهمی کوچک در بازنمایی این موضوع ایفا نمایم.

عرایضم را در یک مقدمه و دو بخش خدمت شما ارائه می‌کنم.

مقدمه

نوروز: پیوندی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

نوروز، جشن شکوفایی طبیعت و تجدید حیات، نه فقط یک آیین ملی متعلق به یک قوم یا ملت خاص، بلکه رویدادی جهانی با ریشه‌هایی عمیق در حافظه تاریخی بشریت است؛ آیینی که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و به نمادی فراگیر از زندگی، امید، صلح و همدلی بدل شده است. این جشن کهن، با قدمتی بیش از سه هزار سال، توانسته در گذر تاریخ، در دل فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون جای گیرد و به عنوان یک سنت زنده و پویا، نسل به نسل منتقل گردد.

شایان ذکر است که سازمان ملل متحد، با درک اهمیت فراگیر نوروز، ۲۱ مارس (برابر با یکم فروردین‌ماه) را به‌عنوان «روز جهانی نوروز» به رسمیت شناخته و آن را نمادی جشن را به‌عنوان پلی میان فرهنگ‌ها، در دوازده کشور جهان، نماد پیوندهای فرهنگی و از همبستگی انسانی، صلح پایدار و گفت‌وگوی تمدن‌ها معرفی کرده است. همچنین، سازمان یونسکو، در راستای حفاظت از میراث معنوی بشر، آیین نوروز را در فهرست میراث فرهنگی ناملموس جهانی به ثبت رسانده و این معنوی ملت‌ها دانسته است.

نوروز و رمضان: همگرایی دو آیین معنوی

از نکات درخور توجه در سال جاری، تقارن پربركت دو آیین بزرگ و معنوی است: نوروز و ماه مبارک رمضان؛ نخست، جشن شکوفایی طبیعت و تجلی حیات، و دوم، موسم تزکیه نفس، نیایش و تعمیق ایمان. این همزمانی، فرصتی مغتنم برای تأمل در همپوشانی ارزش‌های معنوی این دو رویداد است.

رمضان، ماه تظهير جان، تمرین صبر و مهربانی، و بازسازی رابطه انسان با خداوند متعال است؛ در حالی که نوروز، یادآور نوزایی طبیعت، نو شدن دل‌ها و بازسازی پیوندهای انسانی است. هر دو آیین، انسان را به درنگ درونی، نوع‌دوستی، انفاق و تلاش برای بهبود ارتباطات اجتماعی و اخلاقی دعوت می‌کنند. بررسی درون‌مایه‌های مشترک نوروز و رمضان، نشان می‌دهد که چگونه سنت‌های فرهنگی و مناسک دینی، می‌توانند در مسیر تعالی انسان، هم‌راستا و مکمل یکدیگر باشند و فضایی برای پیوند دین، اخلاق و فرهنگ فراهم سازند.

بخش اول: جایگاه نوروز در متون دینی و روایات اسلامی

بررسی جایگاه نوروز در متون دینی، خاصه آموزه‌های اسلامی و میراث غنی حدیثی، نشان می‌دهد که این آیین کهن، نه تنها از منظر اخلاقی و اجتماعی مورد تأیید و تشویق قرار گرفته، بلکه برخوردار از پیشینه‌ای است که در آن، نوروز به‌عنوان روزی با ارزش‌های ذاتی و معنوی، محور حوادثی بزرگ و تأثیرگذار نیز معرفی می‌شود. در حقیقت، آیین نوروز با درون‌مایه‌ای سرشار از فضایل اخلاقی و آموزه‌های الهی، بستری برای تعالی روح و پالایش درون فراهم می‌آورد و از این رهگذر، در سنت دینی نیز جایگاهی شایسته یافته است.

برای تبیین دقیق‌تر جایگاه نوروز در منظومه آموزه‌های اسلامی، می‌توان آن را از دو منظر متفاوت مورد واکاوی قرار داد:

رویکرد نخست: نوروز به‌مثابه تجلی‌گاه سنت‌های حسنه و ارزش‌های اخلاقی

در این رویکرد، نوروز نه‌فقط به‌عنوان یک تاریخ یا روز خاص، بلکه به‌واسطه مجموعه‌ای از سنت‌های نیکو و منش‌های انسانی که با آن پیوند خورده، مورد توجه قرار می‌گیرد. نوروز در این نگاه، آیینی است که انسان را به سوی طهارت روح، پاکیزگی ظاهر، نوسازی روابط انسانی، مهرورزی، انفاق، و قدرشناسی از نعمت‌های الهی دعوت می‌کند. آداب نوروز همچون پاکیزگی خانه‌ها، صلح و آشتی در روابط، دیدار با خویشان، رسیدگی به نیازمندان و توجه به تحول طبیعت، همگی با ارزش‌های والای دینی هم‌خوانی دارند و این امر، نشان از ظرفیت نوروز به‌عنوان وسیله‌ای برای تقرب به فضیلت و اخلاق دارد.

نوروز، پلی است که انسان از طریق آن به سنت‌های نیکو دست می‌یابد؛ سنت‌هایی که روح دیانت نیز بر آن‌ها صحنه نهاده است. آیین‌هایی چون صلهرحم، ترک کینه‌ورزی، صدقه‌دادن، و سپاس از پروردگار برای نعمت حیات، نمونه‌هایی از این پیوند عمیق میان سنت نوروز و آموزه‌های اخلاقی دینی است.

در پرتو این نگاه، فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) در نامه‌ی ارزشمند خود به مالک اشتر، نمونه‌ای درخشان از تأکید بر پاسداشت سنت‌های پسندیده است. آن حضرت در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، با زبانی رسا و ژرف، بر ضرورت حفظ و حراست از سنت‌های اجتماعی و فرهنگی که منبع الفت و همبستگی مردم است، چنین می‌فرماید:

وَلَا تَنْفُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمَلٍ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ... وَلَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّةً تَضُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السُّنَنِ

ترجمه: و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و مردم با آن انس یافته‌اند و امور آنان به‌درستی بر آن استوار گشته، هرگز برهم مزن؛ و سنتی پدید نیاور که با سنن نیکوی گذشته در تضاد باشد و به آن‌ها زیان رساند.

این بیانات گهربار، نه تنها دعوت به صیانت از سنت‌های حسنه است، بلکه هشدار و تأکیدی است بر پرهیز از هرگونه بدعت‌گذاری که موجب تضعیف بنیان‌های فرهنگی و اخلاقی جامعه گردد. در سایه‌ی این توصیه‌ی جاودانه، نوروز به‌عنوان سنتی با ریشه‌های اخلاقی و اجتماعی، سزاوار حفظ و تقویت است؛ چراکه موجبات الفت، محبت، نشاط اجتماعی و تقویت پیوندهای انسانی را فراهم می‌آورد.

از همین منظر، نوروز فرصتی است تا ارزش‌هایی چون محبت، همدلی، مهرورزی، کمک به نیازمندان، و شکرگزاری از مواهب الهی در زندگی مردم تجلی یابد و این امر دقیقاً هم‌راستا با اهداف دین در ارتقای معنویت و اصلاح روابط انسانی است.

تحلیل عالمانه‌ی نهج‌البلاغه در تأیید آیین‌های اجتماعی و سنت‌های حسنه

واکاوی فقهی و تفسیری بیانات امیرالمؤمنین علی(ع) در نهج‌البلاغه، به‌ویژه در زمینه میراث‌های اجتماعی، نشان می‌دهد که سنت‌های پسندیده، به‌شرط آنکه مروج فضیلت و وحدت اجتماعی باشند، از مشروعیت کامل در نگاه دین برخوردارند. نوروز نیز، به‌عنوان نمونه‌ای از چنین آیین‌هایی، واجد قابلیت‌های فراوان برای ترویج فرهنگ دینی و اخلاقی است.

از نگاه عالمان دینی، این نوع آیین‌ها که به گسترش نیکی و محبت در جامعه کمک می‌کنند، می‌توانند ابزار و ظرفیتی برای تحقق مقاصد شریعت (مقاصد الشریعة) باشند. مقاصدی چون حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال، که در آموزه‌های اسلامی به‌عنوان ارکان اساسی دین معرفی شده‌اند، در آیین‌هایی چون نوروز با تجلی مفاهیمی چون صلح، انفاق، سلامت اجتماعی و همبستگی انسانی، به‌صورت عینی تحقق می‌یابند.

شاخصه‌های سه‌گانه سنت حسنه و تطبیق آن بر آیین نوروز

هرگاه سخن از «سنت حسنه» به میان می‌آید، به‌ناچار باید به بررسی ویژگی‌ها و معیارهایی پرداخت که یک سنت را در زمره آیین‌های نیک و شایسته قرار می‌دهد. در آموزه‌های دینی، سنت حسنه نه‌تنها مورد تأیید، بلکه مشمول تأکید بر حفظ، تقویت و انتقال آن به نسل‌های آینده است. به‌ویژه در سخنان پیشوایان دین، از جمله امیرالمؤمنین علی(ع)، حفظ سنت‌های پسندیده، عامل همبستگی اجتماعی، رشد فردی و بقا و پویایی تمدن معرفی شده است. بر همین مبنا، اگر آیینی مانند نوروز، واجد ویژگی‌های سنت حسنه باشد، لاجرم نگهداشت و صیانت از آن وظیفه‌ای فرهنگی و دینی محسوب می‌شود.

در اینجا به سه شاخصه‌ی اصلی سنت حسنه می‌پردازیم و تطبیق آن‌ها بر آیین نوروز را مورد بررسی علمی قرار می‌دهیم:

۱. بعد معنوی و اخلاقی: مسیر تعالی انسان و رشد فضایل

نخستین شاخصه‌ی یک سنت حسنه، آن است که انسان را در مسیر رشد معنوی، تهذیب نفس و تعالی اخلاقی قرار دهد. این ویژگی، ناظر به محتوای درونی آیین و تأثیر آن بر روح و جان افراد جامعه است. آیین‌هایی که موجب پالایش روح، تقویت فضایل اخلاقی و رشد شخصیت انسان می‌شوند، در تراز سنت‌های نیکو قرار می‌گیرند.

نوروز در این بُعد، آیینی سرشار از مؤلفه‌های معنوی است که انسان را به سوی صفای باطن، محبت و اصلاح درون و بیرون سوق می‌دهد. سنت‌هایی چون خانه‌تکانی، که نماد طهارت ظاهر و نیز الهامی برای طهارت دل است، یا بخشایش و صلح‌رحم، که تبلوری از گذشت، نوع‌دوستی و از خودگذشتگی به شمار می‌آید، همه در راستای همین رشد معنوی قرار دارند. احسان به دیگران، یادآوری گذشته و امید به آینده، رهایی از کینه‌ها و بازسازی پیوندهای انسانی، همگی از شاخصه‌های اخلاقی نوروز هستند که با روح تعالیم اسلامی و عرفانی همسویی کامل دارند.

از منظر دین و عرفان، سنت نوروز علاوه بر بُعد نمادین، ظرفیتی برای تجدید عهد با خداوند، طبیعت و انسان‌هاست. تأکید بر نو شدن و تحول، مفهومی است که در قرآن نیز با تعبیر **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رعد، ۱۱) مورد اشاره قرار گرفته و نوروز فرصت عینی تحقق این تغییر درون‌زا است.

۲. بعد اجتماعی: ایجاد انسجام و همبستگی ملی

دومین ویژگی بنیادین سنت حسنه، نقش آن در ایجاد همبستگی اجتماعی، انسجام ملی و تقویت هویت جمعی است. سنت‌هایی که موجب تقویت روابط اجتماعی، رفع تنش‌های قومی، مذهبی و منطقه‌ای، و تقویت وحدت در میان اقشار جامعه می‌شوند، ارزش و اعتبار بیشتری در منظومه دینی و اجتماعی پیدا می‌کنند.

نوروز، برخلاف بسیاری از مناسبت‌های محلی یا قومی، آیینی است فراگیر و ملی که تمام اقوام، مذاهب و گروه‌های اجتماعی در ایران و کشورهای حوزه تمدن ایرانی، در آن سهیم هستند. این فراگیری، خود عامل مهمی در شکل‌گیری هویت مشترک و وحدت ملی است. نوروز از گذشته‌های دور، جشن صلح و دوستی، زمان تجدید پیوندها و فرصت رفع کدورت‌ها بوده است. دیدوبازدیدها، صلح‌رحم، عیادت از بیماران، کمک به نیازمندان و مشارکت در شادی‌های جمعی، نمودهای عینی تقویت همبستگی اجتماعی در این آیین هستند.

از منظر جامعه‌شناختی، آیین‌های مشترک نقش مهمی در ایجاد «سرمایه اجتماعی» ایفا می‌کنند. سرمایه‌ای که در پرتو آن، مردم به یکدیگر اعتماد کرده، حس تعلق اجتماعی پیدا کرده و برای پیشبرد اهداف جمعی، انسجام و همدلی را در عمل تجربه می‌کنند. نوروز با گستره جغرافیایی، قومی و فرهنگی‌اش، چنین سرمایه‌ای را در مقیاسی بزرگ فراهم می‌آورد. تجلی وحدت ملی و همبستگی قومی و مذهبی در نوروز، نمونه‌ای بارز از نقش سنت حسنه در تقویت بنیان‌های اجتماعی است.

۳. بعد تمدنی: نشاط اجتماعی و پویایی فرهنگی

سومین شاخصه‌ی یک سنت حسنه، بعد تمدنی و پویایی جامعه است. آیین‌هایی که به پویایی فرهنگی، زنده‌بودن جامعه، نشاط و حرکت جمعی منجر می‌شوند، علاوه بر ارزش‌های معنوی و اجتماعی، واجد ارزش تمدنی نیز هستند. چنین آیین‌هایی، هویت یک ملت را زنده نگه داشته، زمینه تداوم فرهنگی و ارتباط با ریشه‌های تاریخی را فراهم می‌آورند.

نوروز در این شاخصه، نقشی بی‌بدیل دارد. نشاط اجتماعی، سرزندگی و تکاپوی عمومی در ایام نوروز، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این آیین است. مردم در این ایام، با برگزاری آیین‌های سنتی، اجرای موسیقی، نمایش‌های فرهنگی، سفر و بازدید از اماکن مختلف، به احیای فرهنگ و هنر ملی پرداخته و جامعه‌ای زنده و پویا را به نمایش می‌گذارند.

از منظر تاریخی، نوروز بخش جدایی‌ناپذیر هویت تمدنی ایرانی-اسلامی است. آیینی که از هزاران سال پیش تا امروز، توانسته در قالب‌های جدید و متنوع، خود را حفظ کرده و با جهان ارتباط برقرار سازد. امروز نوروز نه فقط یک آیین ملی، بلکه نماد فرهنگ و تمدن ایران در سطح جهانی است که فرصتی برای معرفی ارزش‌های مشترک اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در گستره‌ای جهانی فراهم می‌آورد.

رویکرد دوم نوروز؛ آیینی با فضیلت ذاتی در آموزه‌های دینی

توجه به این نکته حائز اهمیت است که نوروز در متون دینی و میراث روایی اسلام، صرفاً به دلیل دربرداشتن سنت‌های نیکو و پسندیده مورد توجه قرار نگرفته است؛ بلکه این روز، به لحاظ تاریخی و معنوی، دارای فضیلتی ذاتی و مستقل است. فضیلتی که ریشه در وقایع بزرگ و تاریخ‌ساز دارد و در روایات اسلامی، از جمله فرمایشات پیامبر اعظم (ص)، امیرالمؤمنین علی (ع)، و امامان معصوم (ع)، به صراحت مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است.

بنابراین، گرامیداشت نوروز تنها از باب ترویج سنت‌های اخلاقی و انسانی توصیه نشده، بلکه خودِ نوروز به‌عنوان یک روز مبارک و فرخنده، در طراز ایامی با تقدس و قداست خاص معرفی شده است. این نکته، جایگاه نوروز را از سطح یک آیین فرهنگی صرف، به مرتبه‌ای با ارزش معنوی و دینی ارتقا می‌دهد.

روایت نوروز از امام صادق (ع): تأیید فضیلت و شأن ویژه نوروز

در میان مجموعه روایاتی که درباره نوروز وجود دارد، روایتی از امام جعفر صادق (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ روایتی که نه تنها از سوی علما و محدثان مورد پذیرش قرار گرفته، بلکه به‌عنوان سندی مهم در تأیید جایگاه نوروز، پیوسته بدان استناد شده است.

در این روایت ارزشمند، معلی بن خنیس، یکی از اصحاب مورد اعتماد امام صادق (ع)، در روز عید نوروز به محضر آن حضرت می‌رسد. پس از آنکه معلی نوروز را به‌عنوان روزی که ایرانیان آن را بزرگ می‌دارند معرفی می‌کند، امام صادق (ع) در پاسخی تفصیلی، معنای نوروز را فراتر از تصور عمومی تبیین می‌فرماید:

أَفْسَرُهُ لَكَ حَتَّى تَفْهَمَهُ

نوروز را برایت تفسیر خواهم کرد تا حقیقت آن را دریابی

و سپس می‌فرماید:

إِنَّ يَوْمَ النَّيْرُوزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ فِيهِ مَوَاقِيفَ الْعِبَادِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَ لَا يَشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً

نوروز، همان روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که تنها او را بپرستند و هیچ چیز را با او شریک قرار ندهند.

این بخش از روایت، نوروز را به لحظه‌ای تاریخی و الهی بازمی‌گرداند؛ روزی که عهد عبودیت انسان با خداوند بسته شد. سپس امام (ع) به چندین واقعه عظیم و تاریخ‌ساز که همگی در نوروز رخ داده اشاره می‌فرماید:

- طلوع خورشید و آغاز وزیدن باد: نماد آغاز حیات و نظم کیهانی.
- قرار گرفتن کشتی نوح (ع) بر کوه جودی: نماد نجات، نوزایی و بازگشت به زندگی پس از طوفان.
- روز بیعت با امیرالمؤمنین علی (ع) در غدیر خم: تجلی ولایت و پیوند الهی.
- انتظار فرج در نوروز: هر نوروز، فرصتی برای آرزوی ظهور و تحقق عدالت جهانی.

این روایت با فرازی مهم به پایان می‌رسد که ناظر به همبستگی نوروز با فرهنگ شیعی است. امام(ع) می‌فرمایند:

وَمَا مِنْ يَوْمٍ نِيرُوزٍ إِلَّا وَنَحْنُ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الْفَرَجَ... لِأَنَّهُ مِنْ أَيَّامِنَا وَ أَيَّامِ شِيعَتِنَا، حَفِظْتُهُ الْعَجْمَ وَ ضَيَعْتُمُوهُ أَنْتُمْ

ترجمه: هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما در آن روز، انتظار فرج را داریم؛ زیرا این روز از روزهای ما و شیعیان ماست که ایرانیان آن را حفظ کرده و شما [عرب‌ها] آن را ضایع کرده‌اید.

این فراز، با زبانی بی‌پرده، اهمیت نوروز را در سنت شیعی یادآور شده و نگهداشت آن توسط ایرانیان را مایه‌ی مباهات می‌داند. نکته برجسته در این روایت، آن است که نوروز به‌عنوان جشنی با ریشه‌های توحیدی، مهدوی و ولایی معرفی می‌شود و گرامیداشت آن، به هیچ روی مغایر با دین نبوده بلکه در امتداد آموزه‌های اهل‌بیت(ع) قرار دارد.

نوروز: تجدید عهد با خدا و آمادگی برای ظهور

بر پایه این روایت و دیگر احادیث مشابه، نوروز تنها یک جشن نیست؛ بلکه زمانی است برای تأمل در تاریخ مقدس، تجدید میثاق با آرمان‌های الهی، تجلی مفاهیم توحیدی، و آماده‌سازی برای ظهور مصلح موعود. از این منظر، نوروز با مفهوم انتظار، امید، تحول و تجدید حیات پیوند خورده و در روح خود، حامل پرسش‌هایی بنیادین درباره انسان، خدا و جهان است.

بدین ترتیب، پاسداشت نوروز نه‌تنها پاسداری از یک سنت ملی، بلکه پاسداری از فرهنگی دینی با مضامین الهی و انسانی است. نوروز، در این تراز، ظرفی است برای محتوایی والا؛ محتوایی که در آن معنویت، ولایت، نجات، و انتظار فرج به هم گره خورده‌اند.

نوروز، روزی با برکت و احکام خاص در شریعت اسلامی

هنگامی که نوروز در آموزه‌های دینی و روایات اهل‌بیت(ع)، به‌عنوان روزی با فضیلت ذاتی و مستقل معرفی می‌شود، بی‌تردید باید انتظار داشت که در متون اسلامی نیز احکام و آداب خاصی برای تعظیم و تکریم این روز مبارک تشریح شده باشد. در حقیقت، دین اسلام به‌عنوان یک منظومه کامل زندگی، برای ایام و مناسبت‌هایی که واجد شأن و جایگاه ویژه‌ای هستند، احکام عبادی و رفتاری متناسب وضع کرده است.

نوروز نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در متون دینی، اعمالی چون دعا، غسل، روزه، نماز و سایر آداب معنوی برای این روز مقرر گردیده است؛ اموری که به‌وضوح نشان می‌دهند نوروز نه‌تنها در قالب یک جشن مورد تأیید قرار گرفته، بلکه به‌عنوان یک روز مبارک، دارای شأن دینی و فرصت استغفار و تقرب به خداوند معرفی شده است.

دعا، غسل، نماز و روزه؛ احکام دینی نوروز

در منابع معتبر روایی، از جمله آثار شیخ طوسی و شیخ صدوق، برای روز نوروز غسل مستحب ذکر شده است. این غسل، همچون غسل‌های مستحبی دیگر، نشانه‌ای از آمادگی روحی و جسمی برای ورود به یک روز با قداست معنوی است. همچنین، بر اقامه نماز نافله مخصوص نوروز تأکید شده است. در برخی از این روایات آمده است که اجر این نماز، آموزش گناهان ۵۰ ساله را به دنبال دارد؛ تأکیدی که شأن نوروز را در ردیف ایامی چون لیلۃ‌القدر و عرفه قرار می‌دهد.

روزه در روز نوروز نیز از دیگر اعمال مستحب معرفی شده است. روزه داشتن در این روز، علاوه بر جنبه عبادی، نشان‌دهنده تجلی نو شدن درونی انسان و تطهیر جان از گناهان گذشته است. این اعمال عبادی، در کنار دعای معروف نوروز، مجموعه‌ای از احکام دینی را تشکیل می‌دهند که در منابع اسلامی برای تکریم این روز بیان شده‌اند.

سنت‌های نوروز با تفسیر دینی: پیوندی با تاریخ مقدس

نکته‌ای جالب و تأمل‌برانگیز آن است که در برخی روایات اهل‌بیت(ع)، سنت‌های رایج نوروز نه تنها تأیید شده‌اند، بلکه برای برخی از آن‌ها، تفسیر دینی و تاریخی نیز ارائه گردیده است. به بیان دیگر، این آیین‌ها به مثابه نشانه‌هایی از وقایع بزرگ و تاریخ‌ساز در سنت الهی معرفی شده‌اند.

به عنوان نمونه، سنت آب‌پاشی در نوروز، که در فرهنگ ایرانی رایج بوده، در برخی روایات، نمادی از پاکی، طهارت و یادآور نعمت باران و رحمت الهی معرفی شده است و داستان قوم بنی اسرائیل (الم تر الی الذین خرجوا . . .). این سنت، در نگاه عرفانی نیز تعبیر به تطهیر درون و زدودن کدورت‌ها شده است. این نوع نگاه به سنت‌های نوروز، نشان‌دهنده توجه دقیق اهل‌بیت(ع) به آیین‌های اجتماعی و فرهنگی مردم و تلاش ایشان برای تفسیر آن‌ها در چارچوب مفاهیم دینی است.

نوروز در نگاه جامع اسلام: آیینی ممدوح و مورد حمایت شریعت

مجموعه‌ی روایات پیرامون نوروز، هنگامی که به صورت یکجا بررسی و تحلیل می‌شوند، به وضوح دلالت بر ممدوح بودن این آیین دارند. علما و محدثان شیعه با جمع‌آوری این روایات، بر این نکته تأکید کرده‌اند که نوروز در نگاه اسلامی، نه تنها منافی با دین نیست، بلکه در امتداد فضایل اخلاقی و آموزه‌های انسانی دین قرار دارد.

در این راستا، سیره پیامبر اعظم(ص) و ائمه معصومین(ع)، گواهی روشن بر پاسداشت آیین‌های نیکو و سنت‌هایی است که موجب رشد اخلاقی و همبستگی اجتماعی می‌شود. تأکید ایشان بر حفظ میراث فرهنگی مردم، به ویژه آیین‌هایی که حامل ارزش‌های توحیدی، معنوی و انسانی هستند، نشان‌دهنده افق وسیع دین در تعامل با فرهنگ و سنت‌های مردمی است.

نوروز، فرصت عبودیت و تعالی در سایه شریعت

با عنایت به موارد یادشده، می‌توان نوروز را در منظومه اسلامی، فرصتی برای تجدید عهد با خدا، خودسازی، و پیوند مجدد با ارزش‌های الهی و انسانی دانست. احکام و آداب دینی پیرامون این روز، بر شأن و جایگاه والای آن افزوده و آن را از سطح یک جشن به سطح مناسبتی معنوی و اجتماعی ارتقا داده است.

نوروز، در نگاه دین، تنها مناسبت گرامیداشت طبیعت و تغییر فصل نیست؛ بلکه فرصتی برای نوسازی ایمان، تعمیق روابط انسانی، و آماده‌سازی برای ورود به سالی سرشار از برکت و طهارت روح است. چنین نگاهی، تبیینی است عمیق از پیوند دین و فرهنگ، و اثبات آن که اسلام، حامی آیین‌هایی است که با جوهره‌ی انسانیت و توحید هم‌ساز باشد.

بخش دوم

مقتضیات زمان و ضرورت نگاهی کلان به آیین نوروز

در بسیاری از موارد، نگاه ما به پدیده‌ها و سنت‌های فرهنگی، محدود به قالب‌های نظری و جزئی‌نگرانه می‌گردد؛ نگاهی که گاه به‌مثابه نگرستن در عدسی میکروسکوپ، تنها ذراتی از حقیقت را آشکار می‌سازد و ما را از درک کلیت و تأثیرات گسترده آن پدیده بازمی‌دارد. در چنین شرایطی، ضرورت دارد که از رویکرد خردنگرانه و اصطلاحاً «نگاه اتمی» فاصله گرفته و به‌سوی «نگاه سیستمی» و کلان‌تحلیله حرکت کنیم؛ نگاهی که بر اساس آن، هر پدیده در بستر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی زمانه خود ارزیابی می‌شود و تمامی کارکردهای پیدای آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

به تعبیر زیبای استاد فرزانه‌مان، به جای نگاه اتمی، نگاه سیستمی داشته باشید؛ نگاهی که آیین‌ها و سنت‌ها را نه در انزوا، بلکه در ارتباط با شبکه‌ی وسیع‌تری از مؤلفه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی می‌نگرد.

شایسته است به نکته‌ای مهم و درخور تأمل توجه شود، و آن اینکه برخی ممکن است در مقام بررسی روایات مربوط به نوروز، با استناد به اصول علوم حدیثی و نقد رجالی و درایه‌ای، در پذیرش این روایات دچار تردید یا تأمل شوند. به‌عنوان مثال، ممکن است روایت نوروز از امام صادق (ع) را به جهت ارسال یا اشکالات سندی، مورد خدشه قرار دهند یا با استناد به برخی روایات دیگر، تلاش نمایند اهمیت نوروز را کم‌رنگ جلوه دهند.

بدیهی است که این نقدها، در محافل علمی و از سوی علما و محدثان بزرگ، مورد بررسی دقیق و پاسخ علمی قرار گرفته است و منابع رجالی و حدیثی معتبر به تحلیل سندی و محتوایی این روایات پرداخته‌اند. اما نکته اساسی آن است که در مواجهه با این‌گونه موضوعات، به‌ویژه مسائلی که با فرهنگ و جامعه ارتباط تنگاتنگ دارند، باید نگاهی جامع، عالمانه و منطبق با مقتضیات فقه اجتماعی داشت.

نمی‌توان و نباید باب بهره‌برداری از ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی را، صرفاً با استناد به محدودیت‌هایی در منابع اربعه حدیثی، مسدود دانست و چنانچه در این منابع، تأییدی صریح نیافتیم، آن مسئله را مردود قلمداد کنیم. فقه و استنباط احکام، حوزه‌ای فراخ‌تر از انحصار در منابع محدود است و باید با لحاظ قواعد عقلایی، اجماع، سیره متشرعه، و مصالح عالیله امت اسلامی، به بررسی جامع مسائل پرداخت.

در حقیقت، نگاه فقیهانه و استنباطی جامع، اقتضا می‌کند که موضوعات اجتماعی و فرهنگی با درک صحیح از بستر زمانی و مکانی خود تحلیل شود و فقیه، با اشراف بر مجموع ادله، از تنگ‌نظری و نگاه تجزیه‌ای پرهیز کرده، با جامع‌نگری و درک مصالح امت، نظر نهایی خود را ارائه دهد.

نوروز، با توجه به آثار اجتماعی، فرهنگی و تمدنی‌اش، در زمره موضوعاتی است که نمی‌توان آن را صرفاً در چارچوب روایات خاص محصور ساخت؛ بلکه باید آن را در پرتو اصول کلی شریعت، سنت عقلایی و آثار مثبت آن در تقویت همبستگی، نشاط اجتماعی، و بسط فضایل اخلاقی مورد ارزیابی قرار داد.

نگاه سطحی یا نگاه راهبردی به نوروز؟

به‌عنوان نمونه، در بررسی نوروز، بعضاً تنها در سطح بحث‌های تأیید یا رد آیین در متون دینی متوقف می‌شویم و در چارچوب شواهد و مستندات روایی به آن می‌پردازیم. در حالی که پرسش راهبردی‌تر و عمیق‌تر آن است که نوروز در مقتضیات فرهنگی و اجتماعی زمانه‌ی ما چه جایگاهی دارد؟ و چه نقشی در نظام فرهنگی و انسجام اجتماعی معاصر ایفا می‌کند؟

در عصری که چالش‌های هویتی، تفرقه‌های قومی، نزاع‌های دینی و فشارهای فرهنگی جهانی گریبان‌گیر جوامع مختلف است، آیینی چون نوروز، که هم اصالت دارد، هم جامعیت، و هم ظرفیت همبستگی اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند ابزاری بی‌بدیل برای تحکیم وحدت، ارتقای هویت ملی و انتقال ارزش‌های تمدنی باشد. چنین نگاهی، نگاه راهبردی به نوروز است، نه صرفاً نگاه سنتی یا شعاری.

نکته اول: نوروز، عنصر پایدار هویت و انسجام ملی

در سرزمین پهناوری چون ایران، با تنوع گسترده قومی، زبانی و دینی، مناسبت‌ها و آیین‌های مختلفی وجود دارند که عمدتاً ریشه در منطقه یا قوم خاصی دارند. این آیین‌ها، هرچند در جای خود محترم و ارزشمندند، اما به‌ندرت می‌توان آیینی را یافت که همچون نوروز، قرن‌ها در دل تاریخ باقی‌مانده باشد و در عین حال، توانسته باشد همه اقشار جامعه را با خود همراه کند و نقشی بی‌بدیل در تحکیم وحدت و انسجام ایفا نماید.

نوروز فراتر از یک سنت کهن، نماد همبستگی ملی و فرهنگی ایران است. در این آیین، تمامی اقوام ایرانی از کرد و ترک، لر و بلوچ، تا فارس، گیلک، عرب، ترکمن و دیگر گروه‌ها، همگی مشارکت دارند. افزون بر این، پیروان ادیان گوناگون، اعم از مسلمان، مسیحی، کلیمی و زرتشتی، در کنار یکدیگر به پاسداشت این آیین می‌پردازند و از این رهگذر، نوروز بستری برای همزیستی مسالمت‌آمیز و تبلور همبستگی ملی شده است.

نوروز، نه تنها آیینی سنتی، بلکه پدیده‌ای تمدنی است که رمز هویت ایرانی-اسلامی را در خود دارد. این آیین با ماندگاری خود در طول تاریخ، توانسته به نشانه‌ای از ثبات فرهنگی و استمرار هویتی ایران تبدیل شود و جایگاهی ویژه در حافظه تاریخی ملت بیابد.

ضرورت صیانت از نوروز به‌عنوان ابزار وحدت و قدرت ملی

نکته کلیدی آن است که همین ویژگی نوروز به‌تنهایی برای ما کفایت می‌کند که به صیانت، ترویج و تعمیق آن بپردازیم؛ حتی اگر هیچ روایتی در تأیید آن در منابع دینی وجود نداشت. نوروز در عرصه اجتماعی، فرهنگی و حتی بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های وحدت‌بخش و سرمایه‌ی فرهنگی ماست. در جهانی که نمادها و آیین‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف هویت ملی و اقتدار فرهنگی دارند، صیانت از نوروز، صرفاً صیانت از یک جشن نیست، بلکه صیانت از ابزار قدرت نرم، وحدت اجتماعی، انسجام فرهنگی و پیوند با ریشه‌های تاریخی و معنوی جامعه است.

نوروز و ظرفیت بی‌نظیر آن در دیپلماسی فرهنگی ایران

در عصر جهانی‌شدن و هجوم رسانه‌ای بی‌وقفه، جوامع و فرهنگ‌ها در معرض روایت‌سازی‌های هدفمند قرار گرفته‌اند. در این میان، تمدن ایرانی-اسلامی و هویت ملی ایران، از جمله اهداف همیشگی جریان‌های معاند و رسانه‌های مغرض بوده‌اند؛ جریان‌هایی که تلاش دارند تصویری مخدوش، سیاه و منحرف از فرهنگ ایرانی و نظام ارزشی آن در اذهان جهانی ایجاد کنند.

در چنین شرایطی، نوروز، به‌مثابه نماد دیرپای تمدن و فرهنگ ایرانی، ظرفیتی بی‌نظیر در مواجهه با این جنگ نرم فرهنگی دارد. نوروز نه تنها میراثی از گذشته، بلکه رسانه‌ای زنده برای بازتاب چهره واقعی ایران است؛ ایران به‌عنوان سرزمینی با پیشینه‌ای چند هزار ساله در تمدن، معنویت، انسان‌دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز. معرفی درست و جامع نوروز، می‌تواند پاسخی درخشان به سیاه‌نمایی‌ها باشد و در اصلاح تصورات نادرست جهانی نسبت به ایران، نقش‌آفرینی کند.

نوروز؛ گنجینه دیپلماسی فرهنگی و گردشگری

نوروز، فراتر از یک آیین فرهنگی، یک گنجینه‌ی عظیم در دیپلماسی فرهنگی و گردشگری ایران است. با ریشه‌هایی عمیق در تمدن ایرانی-اسلامی، این آیین توانسته است در گذر هزاران سال، به‌عنوان نمادی از صلح، مهربانی، نو شدن و احترام به طبیعت، مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد. این ارزش‌ها، در قالب آیین نوروز، حامل پیام‌های والای معنوی و انسانی هستند که می‌توانند در عرصه جهانی، جایگاه فرهنگی ایران را ارتقا داده و پیوندهای بین‌المللی را تقویت کنند.

امروز، نوروز در بیش از ۱۲ کشور جهان به‌عنوان میراث مشترک فرهنگی و معنوی ثبت شده و سازمان ملل متحد نیز آن را نماد گفت‌وگوی تمدن‌ها و صلح پایدار معرفی کرده است. این اعتبار جهانی، فرصتی بی‌بدیل برای ایران است تا از طریق نوروز، پیام تمدن، فرهنگ و معنویت خود را به جهانیان عرضه کند و گردشگری فرهنگی را به‌عنوان یکی از بازوهای اقتصادی و فرهنگی کشور، تقویت نماید.

ما وظیفه داریم، با درایت، برنامه‌ریزی راهبردی و نگاه آینده‌نگر، از ظرفیت بی‌بدیل نوروز در عرصه دیپلماسی فرهنگی بهره‌گیری کنیم. نوروز صرفاً یادگار گذشتگان نیست، بلکه پرچمی برافراشته از هویت و عظمت تمدن ایرانی-اسلامی است که باید در گستره جهانی برافراشته بماند.

نوروز، زبان مشترک فرهنگ ایرانی با جهان است؛ زبانی که می‌تواند صلح، دوستی و معنویت را فراتر از مرزها گسترش دهد و در دوران جنگ نرم، به سلاحی فرهنگی و دیپلماتیک برای ایران تبدیل شود. معرفی جهانی نوروز، هم مسیر گردشگری ایران را هموار می‌کند و هم نقش مؤثری در مقابله با روایت‌های تحریف‌شده از هویت ایرانی ایفا خواهد کرد.

جمع‌بندی پایانی:

در نهایت، نوروز سرمایه‌ای تمدنی، فرهنگی و معنوی است که پلی است میان دیروز، امروز و فردا؛ میراثی که هویت ما را به جهان معرفی می‌کند، جامعه ما را به هم پیوند می‌زند، و ما را به آینده‌ای پر از امید و شکوفایی هدایت می‌کند.

صیانت از نوروز، صیانت از هویت و فرهنگ ماست.